

منهای فوتبال

چهار سهمیه قطعی المپیک برای کاراته



رقابت‌های کاراته‌وان مادرید که قرار بود اواخر فروردین برگزار شود، به منظور پیشگیری از گسترش ویروس کرونا لغو شد و با لغو این رقابت‌ها کاراته ایران موفق به کسب چهار سهمیه المپیک شد. پیش از این فدراسیون جهانی اعلام کرده بود چنانچه رقابت‌های مادرید لغو شود، سالزبورگ اتریش که چندی قبل میزبان لیگ جهانی بود، به عنوان آخرین مرحله رقابت‌های انتخابی المپیک در نظر گرفته می‌شود. این تصمیم با موافقت کمیته بین‌المللی المپیک اتخاذ شده است. بدین ترتیب باید عنوان داشت ایران از طریق رنکینگ موفق به کسب چهار سهمیه (دو سهمیه مردان و دو سهمیه بانوان) شده است. بهمن عسگری در وزن ۷۵- و حمیده عباسعلی در وزن ۶۱+ که پیش از این المپیک شدن شان قطعی شده بود و حالا بر طبق رنکینگ در وزن ۵۵- کیلوگرم سارا بهمنیار با ۵۶۴۷ امتیاز که در مکان ششم جدول رنکینگ جای دارد (ایستادن در منطقه سبز) موفق به کسب المپیک شده است. همچنین در وزن ۷۵+ کیلوگرم هم سجاد گنج‌زاده دیگر نماینده شایسته کشورمان با ۸۶۱۷ امتیاز در رده سوم جای دارد (در وزن ۸۴+ کیلوگرم در رده نخست است) و موفق به کسب سهمیه چهارم ایران شده است.

بدین ترتیب با اعلام رنکینگ نهایی در مجموع ایران به همراه ایتالیا با چهار سهمیه پس از ترکیه (پنج سهمیه) بیشترین سهمیه را از طریق رنکینگ کسب کرد. در نهایت تیم ملی ایران ساعت ۲۲:۳۰ چهارشنبه ۲۸ اسفند از آلمان به تهران بازمی‌گردد. البته حمیده عباسعلی و سمانه خوشقدم برای ادامه در مان زانو مصدوم عباسعلی در آلمان می‌مانند و همراه سایر ملی پوشان به ایران باز نخواهند گشت.

آغاز CBA ۲۷ فروردین

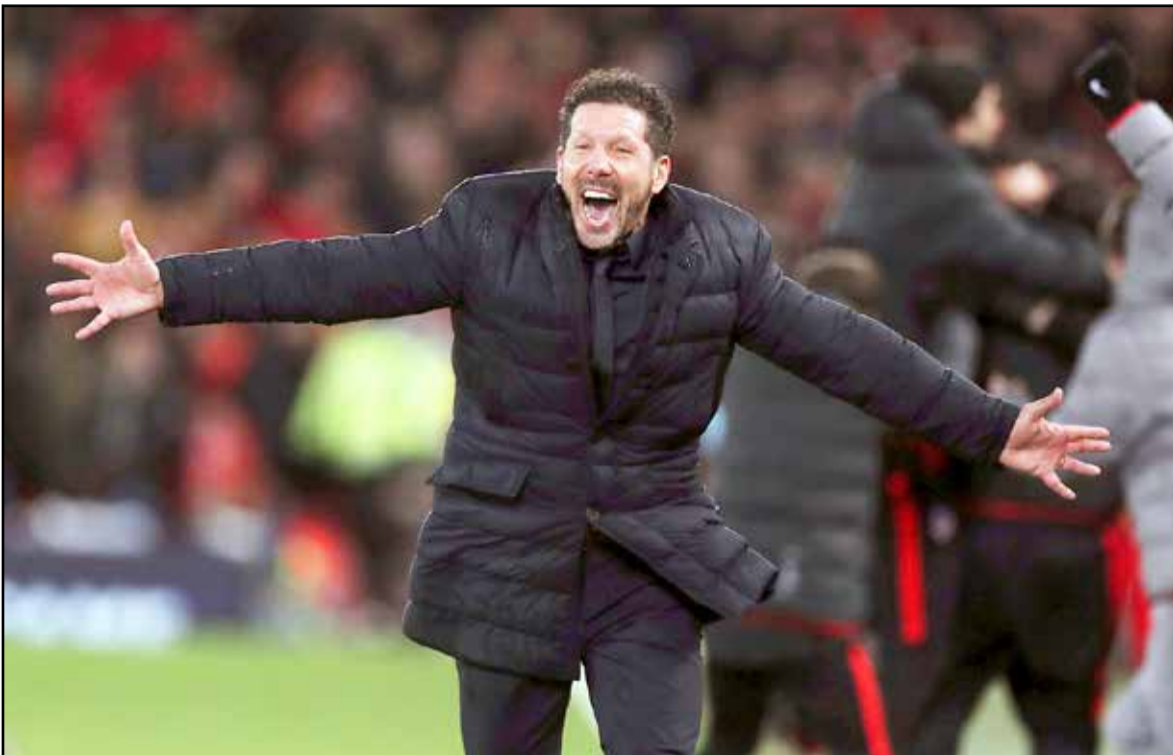
لیگ بسکتبال چین که به دلیل شیوع ویروس کرونا از اوایل بهمن ماه با تعطیلی روبه‌رو شده بود قرار است دوباره از سر گرفته شود. بر اساس اعلام مسئولان لیگ چین رقابت‌ها از ۲۷ فروردین دوباره از سر گرفته می‌شود و بازیکنان خارجی باید هر چه زودتر به چین بازگرداند و هنگام رسیدن به این کشور، دو هفته قرنطینه خواهند شد. همچنین طبق تصمیم دیگری، بازیکنانی که به تیم‌های خود بازنگرددند برای سه‌سال حضور در لیگ چین محروم خواهند شد. باید دید با توجه به اینکه ویروس کرونا در سراسر جهان گسترش پیدا کرده است از میان ۴۸ بازیکن خارجی چه تعدادی از آنها به تیم‌های خود بازمی‌گردند. حامد حدادی، ستاره بسکتبال کشورمان هم که در عضویت تیم نانجینگ قرار دارد، در حال حاضر در ایران به سر می‌برد.

مجمع دوومیدانی تکرار می‌شود

مهدی علی‌نژاد معاون وزارت ورزش و جوانان از تکرار شدن مجمع دوومیدانی که طی آن افسشین داوری به‌عنوان رئیس چهار سال آینده این فدراسیون انتخاب شد، خبر داد. او در این باره گفت: «ماتمام تلاش خود را کردیم که یک مجمع انتخاباتی را به صورت قانونی برگزار کنیم و تمام تمهیدات لازم را هم اندیشیدیم و مجمع هم برگزار شد. بعد از انتخابات بعضی از اعتراضات توسط برخی افراد که حضور پیدا نکردند بودند نمایندگان شان حضور یافتند، هیات شرایط را داشتند. بعد از بررسی به این نتیجه رسیدیم که اعضای حاضر در مجمع از دوسوم کم‌تر بود و جمع بندی این شد که انتخابات را تجدید کنیم. بنابراین با این انتصاب سرپرست جدید سعی می‌کنیم انتخابات را در اولین فرصت برگزار کنیم.» وی افزود: «وزارت ورزش تلاش کرد که فدراسیون دوومیدانی چون المپیک هست با ریاست اداره شود ولی متأسفانه هم شرایط حاکم بر کشور به دلیل کرونا هم اینکه تحرک بعضی از افراد خاص باعث شد که شرایط مجمع به گونه دیگری رقم بخورد اما آنها برای ما مهم بود اینکه مجمع بدون جهت‌گیری به فرد یا نامزد خاص برگزار شود و کاملاً بی‌طرف بودیم اما حالا شرایط به گونه‌ای شد که مجبور شدیم فدراسیون را با سرپرست در چند ماه آینده اداره کنیم.»

شکست دادن کرونا با تکتیک دیگو سیمئونه

نباید بازییم!



آریا هنورد

روزهای پایانی سال برای هواداران فوتبال، روزهای ساده‌ای نبودند. ماندن در خانه بدون تماشای فوتبال آن هم در روزهایی که فصل فوتبال در ایران و اروپا درست به نقطه اوج رسیده بود، تجربه کاملاً سختی به نظر می‌رسد. درست شبیه وقتی که توی سالن سینما، ناگهان پرده خاموش می‌شود و تماشاگر هادیدن ادامه داستان را به راحتی از دست می‌دهند. زندگی بدون فوتبال، برای عشاق این رشته ورزشی، بسیار کسکل کننده به نظر می‌رسد. با

اتفاق سال

درس‌های ۹۸ برای سال جدید

ریاضت اقتصادی!

آریاطری

سال ۹۸ با همه فراز و نشیب‌هایش برای فوتبال ایران، حالا به ساعت‌های پایانی رسیده است. سالی که به طور کلی برای فوتبال ما، چندان خوشایند نبود اما شاید درس‌های بزرگی در خود داشت. اگر از تجربه‌های این سال به خوبی استفاده کنیم، ۹۹ می‌تواند سال درخشانی برای ورزش ما باشد اما اگر مثل همیشه همه چیز را از کنمیم و باز هم اختیار همه تصمیم‌های مهم را به مدیرهای سنتی و پراشتباه بسپاریم، در روی همین پاشنه خواهد چرخید و فوتبال، حتی روزهای ناامیدکننده‌تری را پشت سر خواهد گذاشت.

ما «بهترین» نیستیم

در دوره مربیگری کارلوس کی‌روش، تیم ملی خیلی سخت مقابل رقیب آسیایی شکست می‌خورد. البته که هیچ چیز نمی‌تواند از تلخی‌های باخت به تیم ملی زاین در جام ملت‌ها کم کند اما تیم ملی در دوران سرمربی برتغالی، همواره صدرنشین رنکینگ فیفا در منطقه آسیا بود. شاید برای مدتی نیز فریب این صدرنشین را خوردیم و تصور کردیم که واقعا بهترین تیم فوتبال در قاره آسیا هستیم اما از دست دادن این جایگاه در سال ۹۸، بخش مهمی از حقیقت را آشکار کرد. ایران نه بهترین تیم آسیا به شمار می‌رود و نه برای رسیدن به جام جهانی کار ساده‌ای در پیش دارد. ایران شاید در یک بازی ۱۴ گل به کامپوچ بخت برگشته بزند اما حتی در همین منطقه غرب آسیا نیز، رقیب بسیار سرسختی دارد. تیم ملی زیر نظر ویلموتس، رقبایی مثل بحرین و عراق را دستکم گرفت. ایران با ترکیبی برابر این دو حریف وارد زمین شد که انگار قصد دارد آنها را نیز مثل کامپوچ گلباران کند. واقعیت اما مثل سیل، روی سرمان فرود آمد. ما در هر دو بازی شکست خوردیم تا یاد بگیریم که دیگر، رقبای آسیایی را «ساده» تصور نکنیم. حالا برای رسیدن به مرحله دوم از دور مقدماتی جام جهانی، کار بسیار دشواری در پیش داریم و باید عراق و بحرین را در آزادی شکست بدهیم. کرونا، زمان بیشتری را در اختیار تیم ملی قرار خواهد داد اما از اینجا به بعد، تک تک بازی‌ها و ثانیه به ثانیه هر مسابقه، اهمیت بسیار زیادی برای رسیدن به جام جهانی قطر خواهند داشت.

فوتبال بومی می‌شود

فوتبال ایران حتی تا اواسط سال ۹۸، پر از چهره‌های خارجی بود اما به مرور زمان مشخص شد که در این فوتبال، دیگر ظرفیت استفاده از خارجی‌های متعدد وجود ندارد. مصطفی دینزلیسی از ایران رفت. استراماچونی تصمیم به ترک تهران گرفت. کالدرون از سوی باشگاه پرسپولیس رانده شد و مارک ویلموتس نیز، دیگر حتی یک هوادار در ایران نداشت. شاید رفتن ویلموتس، هیچ‌کس را آزار نداد اما جدایی استراما، یک کابوس بزرگ برای هواداران استقلال بود. بالا رفتن وحشتناک نرخ ارز در سال ۹۸،

این وجود همه باید در کنار هم بایستند و تاهرطور که شده، این روزهای شوم نیز سپری شوند و روزهای بهتری برای همه از راه برسد. فراموش نکنیم که آخرش همه مایک «تیم» هستیم. صف کشیده در ترکیب بالکن‌ها، مشغول ردوبدل کردن نه‌مانده امیدتوی جیب‌های مان

یک قطع توب معمولی. یک حرکت فداکارانه. کمی وجدان. گاهی همه چیز همین‌طور تغییر می‌کند. زندگی، هرگز به ما نیاموخته چطور فوتبال بازی کنیم اما فوتبال، همیشه به ما یاد داده که چطور زندگی کنیم. ماشیفته فوتبال هستیم؛ چرا که بعد از هر شکست، آن سرگرمه‌های درهم را برمی‌داریم و با خودمان به خیابان می‌بریم تا راهی برای باز کردن شان پیدا کنیم. ماشیفته فوتبال هستیم؛ چرا که درست بعد از هر شکست بزرگ، به دوستان و اطرافیان، به رهگذرهای توی خیابان، به صاحب دکه سر کوچه که با بی‌میلی توی دختل دنبال پول خردمی گرد و به راننده اتوبوس خسته در مسیر همیشگی لبخند می‌زنیم تا فراموش کنیم که ساتر مدافع راست، چطور روی سر وینگر چپ فرود نیامد. فوتبال به ما فرصت می‌دهد. فوتبال همیشه به ما فرصت می‌دهد که گلوله‌های مشقی را بیرون بیاوریم، گردو خاک را بکناییم، سبک بازی حریف را زیر سوال ببریم و برای مسابقه بعدی آماده شویم. فوتبال، نسخه بهبود یافته زندگی است و پس از هر بار کشتن و زنده کردن، چیزی به ما اضافه می‌کند. یک جور سماجت، یک جور اراده. یک جور انگیزه برای برگشتن، محکم‌تر رفتن پرچم و رجز خواندن برای آینده.

پس در همه روزهای سخت پیش

فوتبال، نسخه بهبود یافته

زندگی است و پس از هر بار کشتن و زنده کردن، چیزی به ما اضافه می‌کند. یک جور سماجت. یک جور اراده. یک جور انگیزه برای برگشتن، محکم‌تر رفتن پرچم و رجز خواندن برای آینده

رو؛ خیال می‌کنیم که در زمین فوتبال هستیم. خیال می‌کنیم که روی نیمکت تیم، دیگو سیمئونه نشسته و اجازه نمی‌دهد از جایی که در آن هستیم، حتی به اندازه چند سانتی متر تکان بخوریم. درست بین توپ و زمین خودی. برای خودمان. برای دیگران. حتی اگر بعضی‌ها مثل همیشه ساز مخالف بزنند. حتی اگر بعضی‌ها یارگیری با مدافع حریف را فراموش کنند. حتی اگر بعضی‌ها همه توپ‌ها را لو بدهند. آخرش ما هستیم که با یک ضدحمله، راه سر خوردن روی چمن ورزشگاه برای جشن گرفتن یک گل را پیدا خواهیم کرد. فوتبال به ما یاد می‌دهد که از ترس باختن، نباییم. حتی اگر روی اسکوربرد، بدجوری عقب باشیم. که هر برنده گذشته‌ای و هر بازنده، آینده‌ای دارد.



فیفا فریب نمی‌خورد

علی کریمی مدت‌ها قبل در برنامه ۹۰ فاش کرد که اساناستمه فدراسیون، به تایید فیفا نرسیده اما آن روز ساکت، زیر بار پذیرفتن این ادعا نرفت. فدراسیون تا مدت‌ها دست به پنهانکاری زد و حتی بعد از بیماری قلبی مهدی تاج، تصمیم به برگزاری یک انتخابات جدید بود اما بالاخره مشخص شد که این اساناستمه، فاقد اعتبار لازم است. این سطح از پنهانکاری در هر نقطه‌ای از دنیا، به یک استعغای دسته‌جمعی ختم می‌شد اما اینجا فدراسیونی‌ها هنوز به کارشان ادامه می‌دهند. به هر حال در سال ۹۸ متوجه شدیم که با وجود همه مخفی‌کاری‌های داخلی، نمی‌شود فیفا را فریب داد و حقیقت را از آنها پنهان کرد. گزینه‌های ریاست فدراسیون هم یک به یک پراکنده شده‌اند و به تیم‌های دیگری رفته‌اند. کاش در سال جدید فدراسیون فوتبال کمی شفاف‌تر اداره شود. آرزویی که البته محال به نظر می‌رسد.

بانوان و یک فرصت طلایی

در سال ۹۸ بالاخره بانوان به صورت غیرگزینشی به عنوان تماشاگر راهی ورزشگاه آزادی شدند و بر خلاف آن‌چه یک عده تصور می‌کردند، آسمان به زمین نیامد. این تجربه به همه ثابت کرد که حضور خانم‌ها، چقدر برای شرایط فعلی فوتبال ایران نیاز است. در سال ۹۸ استقبال کمی از بازی‌های لیگ برتر به عمل آمد. باید قبول کنیم که این یکی از کم‌تماشاگرترین دوره‌های تاریخ لیگ برتر بوده است. شاید حالا وقت گرفتن یک تصمیم مهم و نترسیدن از انتقادهای احتمالی از راه رسیده باشد. ورود بانوان باید به یک اتفاق کاملاً طبیعی در فوتبال ایران تبدیل شود. بدون تردید اگر این اتفاق در سال ۹۹ رخ بدهد، شور و شوق تازه‌ای به سکوها اضافه خواهد شد و همه چیز در یک مسیر ایده‌آل‌تر از گذشته قرار خواهد گرفت. فوتبال ایران نباید چنین فرصت خوبی را از خودش دریغ کند. کاش به جای فشار و اصرار فیفا، این خودمان باشیم که راه را برای ورود خانم‌ها به همه بازی‌های فوتبال باز می‌کنیم.

نیست، چنین صحبت‌هایی بیشتر به شوخی شباهت دارد. وقتی صاحب استادیوم‌هایی مدرن و تازه‌ساز نیستند، هرگز نمی‌توانید شرایط ایده‌آل را برای برگزاری لیگ به دست بیاورید. وقتی آمادگی‌اش را ندارند، بهتر است قید بلیت‌فروشی اینترنتی را بزنید. فوتبال ایران در سال ۹۸، تاوان نمایش‌های تاج و همکاری‌اش را داد اما این موضوع دیگر به هیچ وجه نباید ادامه پیدا کند. فوتبال ایران به یک مدیر نیاز دارد که تغییرات ریشه‌ای و پایمانی را رقم بزند. نه مدیری که فقط به صورت نمایشی به دنبال ایجاد تغییر باشد.

عوام‌فریبی در بن‌بست

استقلال و پرسپولیس دیگر نمی‌توانند با این شیوه مدیریت، به حیات‌شان ادامه بدهند. این درس مهمی دیگری بود که از سال ۹۸ گرفتیم. از یک طرف، محمدحسن انصاری فرد از راه رسید و سکان مدیریت پرسپولیس را در دست گرفت. او همیشه در بین هواداران باشگاه، چهره‌ای مقبول بوده و راه‌اثر گذاشتن روی این هواداران نیز به خوبی بلد است اما در عمل، سال‌هاست که هیچ حرف

تازه‌ای برای گفتن ندارد. انصاری فرد در پرسپولیس، فرصت داشت تا بدهی‌ها را اصف کند و رضایت طلبکارها را به دست بیاورد اما نه تنها توجیبی به این موضوع نشان نداد، بلکه تا می‌توانست بدهی روی دست باشگاه گذاشت و درست وقتی که باید برای تصمیم‌های جنجالی‌اش «پاسخ» می‌داد، فرار را به فرار ترجیح داد. پایان همکاری با مربی موفق مثل کالدرون، پرداخت رقم سنگین برای جذب یحیی، امضای قرارداد با دو بازیکن خارجی در سخت‌ترین شرایط اقتصادی باشگاه و همچنین پروژه‌های مالی ناموفق، بخشی از شکست‌های بزرگ انصاری فرد بودند. در اردوی رقیب نیز چنین اتفاقی افتاد و علی فتحی...زاده، متوجه شد که نمی‌تواند با این حجم از بدهی به کارش ادامه دهد. دیگر نشستن بین تماشاگرها، بمب‌ترکاندن و هر روز مصاحبه کردن، دردی از این دو باشگاه دو نمی‌کند. البته نسخه وزارت ورزش برای سپردن مدیریت دو باشگاه به افراد متمول نیز، تسماروز به همین اندازه ناکام و ناامیدکننده بوده است.

فوتبال مدرن؛ شوخی با واقعیت

مدرن شدن فوتبال، اتفاقی نیست که یک‌شبه، یک هفته‌ای و یا حتی یک ساله رخ بدهد. این یک پروژه بسیار درازمدت به شمار می‌رود. سال‌ها قبل اسم لیگ‌مان را لیگ «حرفه‌ای» گذاشتیم اما این نام‌گذاری به تنهایی برای حرفه‌ای شدن فوتبال کافی نبود. در سال ۹۸ مهدی تاج و دوستانش در فدراسیون فوتبال، تا می‌توانستند ژست حرفه‌ای‌گری گرفتند و این کار، عملاً تهدیدی برای سرنوشت لیگ برتر شد. اگر آنها لطف می‌کردند و زنگ شروع لیگ را در زمان استاندارد می‌زدند، حالا حدود سه یا چهار هفته به پایان لیگ زمان باقی مانده بود و کوچک‌ترین مشکلی برای ادامه رقابت‌ها و پایان دادن لیگ در کابوس کرونا در آخرین روزهای بهار وجود نداشت. با این وجود، آنها دائماً روی استانداردهای شریابط لیگ، مانور دادند. مانوری که به شدت بی‌نتیجه و ناکارآمد از آب درآمد. این تأخیر نه تنها چیزی به لیگ برتر اضافه نکرد، بلکه لیگ را چند قدم به عقب برد. برای مثال داستان بلیت‌فروشی اینترنتی، به دو دربی کاملاً خلوت و کم‌تماشاگر ختم شد. در فوتبالی که از ساده‌ترین زیرساخت‌های ممکن نیز برخوردار